



درگذشت یکی از مفاخر ترکمن

تاج‌وردی‌پیکر، یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین هنرمندان موسیقی منطقه بندرترکمن که شاگردان زیادی را هم تربیت کرد، در ۶۰ سالگی درگذشت. مهر ضمن اعلام این خبر نوشت، پیمان بزرگنیا، پژوهشگر موسیقی نواحی ایران در این مورد گفت: «تاج‌وردی‌پیکر یکی از مؤثرترین هنرمندان موسیقی منطقه ترکمن روز بیست‌ونجم دی‌ماه در سکوت خبری دارفانی را وداع گفت. او یکی از هنرمندان مطرح دوتارنوازی منطقه ترکمن بود که شناخت بسیار دقیقی از موسیقی این منطقه داشت و توانست معرف خوبی برای شاخه‌های مختلف موسیقی این منطقه جغرافیایی ازجمله «خیوه»، «آخال» و سایر سبک‌ها باشد. مرحوم تاج‌وردی‌پیکر ازجمله هنرمندانی بود که داستان‌های قدیمی و اسطوره‌ای این منطقه را می‌شناخت و به‌واسطه این شناخت شاگردان و هنرمندان متعددی را هم به جامعه موسیقی نواحی و جشنواره‌های معرفی کرد.» بزرگنیا همچنین گفته است، تاج‌وردی‌پیکر در سال‌های آخر عمرش به‌دلیل کم‌توجهی و بی‌مهری‌هایی که به موسیقی نواحی می‌شد، دچار افسردگی شده بود.



ادامه واکنش‌های انتقادی به اسکار

درحالی‌که چند روز از معرفی نامزدهای اسکار نودوششم می‌گذرد، نادیده گرفتن «باربی» در بخش کارگردانی و بازیگر زن اول با اظهارنظرهای متفاوتی رویه‌رو شده که سر تمام‌شدن ندارد. مهر ضمن اعلام این خبر به نقل از ورایتی نوشت، بحث درباره نادیده گرفته‌شدن «باربی» در فهرست نامزدهای اسکار ۲۴ ۲۰ که گرتا گروپک، کارگردان آن و بازیگر اصلی آن مارگو رابی را از رقابت در بخش بهترین کارگردان و بازیگر حذف کرد، هنوز به پایان نرسیده و هر روز اظهارنظری دراین‌باره صورت می‌گیرد. میشل ینو که سال پیش برای فیلم «همه‌چیز همه‌جا به یکبار»، اسکار بهترین بازیگر زن را دریافت کرد، جدیدترین چهره‌ای است که دراین‌باره صحبت کرده است. مخالفت با راه‌یافتن «باربی» به این ۲ بخش اسکار، ابتدا توسط ۲ بازیگر فیلم که نامزدی اسکار را کسب کردند مطرح شد و رایان گاسلینگ و آمریکا فررا، به این امر انتقاد کردند.



دفاعیه تلویزیون از عملکردش

پس از انتقادهای چندباره کمال تبریزی، نسبت به نحوه پخش سریال «سرزمین مادری»، روابط عمومی سیمافیلم با انتشار مطلبی - که هدف از آن را «روشنگری» خوانده - به تبیین برخی تمهیدات انجام‌شده درباره پخش این مجموعه تاریخی پرداخت. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، کمال تبریزی ۱۴ دی‌ماه امسال به نحوه پخش سریالش «سرزمین مادری» انتقاد کرده و گفته بود: «سریالش یتیم و بی‌سرپرست شده، زحمات و هزینه این سال‌ها در حال نابودی است و حیف که به چنین سرنوشتی دچار شد.» حال روابط عمومی سیمافیلم در بخشی از متن منتشرشده‌اش آورده است: «پیوست‌های رسانه‌ای ازجمله تیزرهای تبلیغاتی تلویزیونی، زیرنویس‌های تلویزیونی و حتی تبلیغات شهری، همچنین پخش سریال «سرزمین مادری» از دو بستر انتشار - یعنی از شبکه سه سیما که یکی از پرمخاطب‌ترین شبکه‌های تلویزیون بوده و پخش در تلویسیون - ازجمله تمهیدات ویژه فرایند قبل و حین پخش بود و در ادامه تلاش شد تا این مجموعه تلویزیونی به‌طور منظم و بدون وقفه، روی آنتن برود.»

فلسفه تکنولوژی در کشور ما در گفت‌وگو با علیرضا منجمی و غلامحسین مقدم حیدری

زیر سیطره هایدگر ایرانی شده

امیرحسین موسوی-علی ورامینی: تکنولوژی در کشور ما در زیر سیطره دو نگاه است؛ یکی نگاه مهندسی صرف و دیگری نگاه ایدئولوژیک. نگاه مهندسی، تکنولوژی را به مثابه ابزاری صرف می‌داند که فقط به فیزیک آن توجه می‌کند. این نگاه هیچ نسبتی با تکنولوژی به مثابه پدیده‌ای که در نسبت با انسان تاثیر می‌پذیرد و تاثیر می‌گذارد، برقرار نمی‌کند. سوی دیگر این نگاه، برخوردی ایدئولوژیک است. مهمترین نکته و شاید تنها پرسش در این مواجهه این می‌شود که تکنولوژی خوب است یا بد؟ هر دو نگاه از منظر فلسفه تکنولوژی به معنای تأمل درباره تکنولوژی و مسئله‌مند کردن آن، هیچ روش و دغدغه‌ای ندارند. این در حالیکست که در کشور ما اقبال به تکنولوژی‌های نوین در دهه‌های اخیر رو به فزونی است و حتی ورای آن صحبت از تکنولوژی‌های جدید میان خواص و عوام کشور ما لقلقه زبان است. شاهدش هوش مصنوعی و این روزها که گویی بدون صحبت از آن، روز کسی، شب نخواهد شد. باری در این برهوت تأمل درباره تکنولوژی چندی پیش پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم همایش ملی «تکنولوژی و فرهنگ: تأملات و رویکردهای انتقادی» را با همکاری سازمان‌ها و نهادهای علمی برگزار کردند. درباره این همایش و بیشتر از آن فلسفه تکنولوژی با دبیران علمی این همایش، علیرضا منجمی و غلامحسین مقدم حیدری گفت‌وگویی مفصل انجام داده‌ایم که خلاصه‌ای از آن را می‌خوانید:



از همایش ملی تکنولوژی و فرهنگ آغاز کنیم. در این همایش چه رویکردی را دنبال می‌کردید؟

علیرضا منجمی: رویکرد ما هم در «همایش ملی تکنولوژی و فرهنگ: تأملات انتقادی با رویکردهای فلسفی-تاریخی» که ۱۶ و ۱۷ دی‌ماه سال جاری در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار کردیم، همین بود. ما قرار بود در مورد امور انضمامی و تجربه‌زیسته‌مان در خصوص تکنولوژی، تأمل کنیم. چنانچه اگر نگاهی هم به عناوین مان بیاندازید، متوجه این نکته می‌شوید.

غلامحسین مقدم حیدری: یکی از محورهای همایش، «انتقال تکنولوژی» بود که دکتر منجمی در همایش به آن پرداخت و مسئله‌ای است که در ایران کمتر به آن پرداخته شده است. یکی از مشکلات این است که هنگام انتقال تکنولوژی به پیامدهای فرهنگی بی‌توجهیم. محورهای نسبت تکنولوژی با زیست شهری و معماری، زیست دینی، آموزش مجازی، هوش مصنوعی و آفرینش هنری بود. محور مهم دیگری که به آن پرداختیم، سلامت و طبی‌سازی و نسبت آن با تکنولوژی را مطرح کردیم که برای اولین بار در ایران در همایشی در سطح ملی به آن پرداخته می‌شد و من به تکنولوژی‌های نرم مانند تکنولوژی‌های اعمال قدرت فوکویی پرداختم.

فلسفه تکنولوژی در ایران بیشتر به هایدگر شناخته شده است. چه موضعی در برابر خوانش هایدگری از تکنولوژی دارید؟

مقدم حیدری: هایدگر در مواجهه با تکنولوژی دو نکته را به ما متذکر می‌شود. یکی اینکه وقتی در درون تکنولوژی قرار داریم، در زمین تکنولوژی بازی می‌کنیم، هنگامی هم که مقابل آن می‌ایستیم، وعلیه‌اش شورش می‌کنیم باز هم مشغول بازی در زمین تکنولوژی هستیم. باین وجود تنها راه چاره، واقف‌شدن بر وضعیتی است که در آن قرار داریم. با وقوف بر وضعیتی که در آن هستیم، می‌توان دریافت تکنولوژی‌ها چه تغییری در زندگی‌مان پدیدآورده و چه ضرورت‌هایی را ایجاد کرده‌اند. هنگامی که به پاسخ این سوالات پی می‌برید-بی‌آنکه قصد قضاوت‌کردن در مورد خوبی یا بدی آن باشد-اگر آن را نپسندید، از آن اجتناب و اگر پسندید، از آن استفاده می‌کنید. نکته‌ای که من در این میان متوجه نمی‌شوم آن است که خوانش هایدگر از تکنولوژی در ایران چرا به گونه‌ای انفعال و تقدیرگرایی یا آخرت‌گرایی گره خورده است.

منجمی: رویکرد ما در این همایش نقد دو نگاه است. این در واقع پروژه‌ای است که در «پژوهشکده تاریخ وفلسفه علم» دنبال می‌کنیم؛ بر جسته‌کردن اهمیت علوم انسانی در مواجهه با تکنولوژی‌ها. یکی از آن نگاه‌ها، خوانش هایدگری ایرانی با تأکید بر واژه «ایرانی» از تکنولوژی است. در اینجا تکنولوژی در چنان معنای موسعی به‌کار می‌رود که معادل عالم مدرن است و گشتل چنان سیطره‌ای دارد که نمی‌توانیم در برابر آن کاری انجام دهیم. ما چه این گشتل را بپذیریم، چه در برابر آن شورش کنیم، تفاوتی ندارد و تنها باید انتظار جهانی دیگر را بکشیم. نتیجه چنین نگاهی این است که کاری از علوم انسانی بر نمی‌آید. این نگاه راه را بر هر نوع تأمل انتقادی می‌بندد. درسوی دیگر، «نگاهی مهندسی» وجود دارد که معتقد است، تکنولوژی مربوط به علوم مهندسی است و می‌توان از آن به درستی یا نادرست استفاده کرد. نگاهی ساده‌انگارانه و ابزاری که راه را بر ورود علوم انسانی می‌بندد. این دو نگاه مانند دو تیغه قیچی، قطع کردن راه تأمل عمیق فلسفی و نگاه انتقادی است.

مقدم حیدری: اساساً یکی از مزایای همایش برگزار شده آن بود که پای‌مان بیشتر روی زمین باشد تا سرمان در آسمان. فیلسوفان تکنولوژی از دونوع تکنولوژی سخن می‌گویند یکی T بزرگ که تکنولوژی کلان و انتزاعی می‌بیند و۱ کوچک که برای تکنولوژی، ذاتی قائل نیست و به دنبال آن است که مواجهه با تکنولوژی‌ها در زندگی روزمره چگونه باید باشد. لازم به ذکر است که در تأملات فلسفی قرار نیست درباره خوبی یا بدی تکنولوژی‌ها قضاوت کنیم و قصدمان بیشتر ایجاد آگاهی در مورد تکنولوژی‌هایی بود که در زندگی روزمره با آن سروکار داریم.

اگر مخاطبان کسانی باشند که متوجه نسبت علوم انسانی و تکنولوژی هستند، امام‌ز میان جامعه‌شناسی تکنولوژی و فلسفه تکنولوژی برای‌شان شفاف نیست. آیا می‌توان در این میان مرز مشخصی را روشن کرد؟

مقدم حیدری: منظورمان نه فلسفه به‌مثابه رشته (دیسپلین) که تأمل فلسفی بود. ضمن اینکه تأمل تاریخی مدنظرمان هم به‌معنای گاه‌شناسی یا گاه‌شماری یا کرونولوژی نیست، بلکه به این معناست که در مقاطع زمانی گوناگون به بررسی‌های جامعه‌شناسختی، انسان‌شناسی (آنتروپولوژیک) می‌پردازید. اینجااست که نگاه جامعه‌شناختی و انسان‌شناسی این آگاهی را برای تان ایجاد می‌کند که چه تفاوتی با سده‌های پیشین دارید؛ بنابراین تأمل تاریخی- فلسفی در واقع تأملاتی از جنس جامعه‌شناسی تکنولوژی، انسان‌شناسی تکنولوژی، تاریخ تکنولوژی، فلسفه تکنولوژی و... است یا به‌قول ویتگنشتاین، انعکاسی از همه این‌ها بر تکنولوژی است. ضمن اینکه لازم نیست از همه این‌ها لزوماً به نتیجه‌ای بزرگ رسید و اتفاقاً اشتباه همین است که همواره در انتها پرسیده می‌شود، راه حل چیست؟ همه چیز که لازم نیست راه حل داشته باشد و شما همین که وقوف پیدا کنید و تمایزاتی را که دوران تان با دوران رواج تکنولوژی‌های پیشین دارد، بشناسید، کافی است.

منجمی: هنگامی که در گفت‌وگویی روزمره از واژه فلسفه و فیلسوف استفاده می‌کنیم، شخصی را در نظر می‌گیریم که در اتاقی نشسته است و در حال نظورزی (speculation) است. خوانش ایرانی از ایده‌های هایدگر از همین جنس هستند و بیشتر رهنز اند، درحالی‌که فلسفه تکنولوژی از این جنس نیست به‌ویژه پس از چرخش تجربی در آن. فلسفه تکنولوژی در این نگاه مجموعه‌ای از کارهای تجربی و موردکاوی (case-studies) است که واجد جنبه‌های تاریخی، جامعه‌شناختی و انسان‌شناسی هم هست. دراین صورت جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان، روان‌شناسان و سایر رشته‌ها هم باید مشارکت داشته باشند.

این رویکرد شما برای این همایش خاص بود یا سیاست کلی شما در گروه فلسفه تکنولوژی پژوهشگاه علوم انسانی است؟

منجمی: فلسفه تکنولوژی در سطح جهانی از رویکردهایی متفاوت بر خوردار است. آنچه ما بیشتر به آن تمایل داریم تأمل در نسبتی است که تکنولوژی با جامعه و تجربه زیسته‌مان برقرار می‌کند؛ اما آنچه برای ما اهمیت دارد این است که بتوانیم تجربه زیسته‌مان و فهم انضمامی‌مان از تکنولوژی را در چار چوبی قرار دهیم که بتوانیم از طریق آن، این تجربه را فهم کنیم و برای آن مفاهیمی مناسب بسازیم و دریابیم کجا ایستاده‌ایم به‌جای آنکه صرفاً به مسائل انتزاعی بپردازیم. در سطح جهان در فلسفه تکنولوژی بحث‌هایی مطرح است که به‌منظرم بسیاری‌شان، نسبتی با ما برقرار نمی‌کنند زیرا متأسفانه ما کمتر تولیدکننده تکنولوژی هستیم و بیشتر واردکننده. با توجه به وضعیت تاریخی که پشت سر گذاشته‌ایم به‌گمانم در انداختن «فلسفه انتقال تکنولوژی»، مسئله‌پیش روی ماست، چیزی که قاعدتاً دغدغه غرب نیست.

از مباحث کلی‌تر سراغ خود همایش برویم. عنوان همایش «تکنولوژی و فرهنگ» و زیر عنوان آن، «رویکردهای تاریخی- انتقادی» نام داشت. مشخصاً کمز در مورد وجهت‌سمیه این نامگذاری می‌گویید؟ و اینکه، چرا به‌جای استفاده از تکنولوژی از کلمه فناوری در کنار فرهنگ استفاده نکردید؟